



بررسی نحوه توزیع فضاهای آموزشی در بافت شهر (مطالعه موردی: بلوار لاکان کلانشهر رشت)

فرزانه خشکباری¹

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نحوه توزیع فضاهای آموزشی در بافت شهر پس از مطالعه مفاهیم نظری، انطباق مکان‌گزینی فضاهای آموزشی در بلوار لاکان رشت با معیارهای سازگاری، مطلوبیت، ظرفیت، وابستگی مورد ارزیابی قرار گرفت. برای این منظور ابتدا مدل مفهومی، ضوابط موثر در مکان‌یابی مدارس شهر مشخص شد و پس از آنکه معیارهای مکان‌گزینی مدارس (شعاع پوششی، جمعیت و تراکم آن، نزدیکی به شبکه معابر (دسترسی ها)، و کاربری اراضی (همسایگی های سازگار و همسایگی های ناسازگار) مشخص گردید، داده های مکانی از روی نقشه ها تهیه شده توسط سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS) و داده های توصیفی با استفاده از مدارک، اسناد و آمار پژوهش های میدانی مورد تحلیل واقع شد. نتایج گویای این مهم بود که مراکز آموزشی غیرانتفاعی با توجه به تعداد کم دانش آموزان، مشکلی در تامین آسایش ساکنین محله ایجاد نمی کنند، اما مدارس دولتی با تعداد زیاد دانش آموزان باعث ایجاد مشکلات فراوانی از جمله ایجاد سر و صدا در ساعاتی از روز و ایجاد ترافیک شدید در کوچه و خیابان، گاهی قفل شدن ترافیک در زمان تعطیلی مدرسه می گردد.

واژگان کلیدی: مکان‌گزینی، فضای آموزشی، سیستم اطلاعات جغرافیایی، رشت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

یکی از مقولات مهم در برنامه ریزی شهری، تعیین مکان مناسب برای استقرار کاربریهای شهری است. این بدان معنا است که فعالیت های مختلف شهری نیازمند فضای مناسب خود می باشد و امکان استقرار آنها در هر ناحیه شهری وجود ندارد. این امر از طریق در نظر گرفتن ویژگیهای کاربری های شهری صورت می گیرد. تشخیص و تعیین مکان مناسب استقرار مراکز آموزشی در گرو شناخت نوع فعالیت، عملکرد، نیازمندیها و کنش و واکنش هایی است که کاربری آموزشی با دیگر کاربریها پدید می آورد. بی توجهی به توزیع فضایی مناسب و اصولی مراکز آموزشی نیز موجب کاهش کارایی نظام آموزشی، ایجاد مشکلاتی برای دانش آموزان و تحمیل بار مالی دو چندان بر نظام آموزشی و خانواده ها می شود (ولی زاده، 1386).

این تحقیق در پی دستیابی به این هدف است که بررسی وضعیت مکان گزینی فضاهای آموزشی در بلوار لاکان رشت، تعیین میزان انطباق مکان گزینی فضاهای آموزشی در بلوار لاکان رشت با معیارهای سازگاری، مطلوبیت، ظرفیت، وابستگی همچنین ارائه راهکارها و پیشنهادهای جهت مکان گزینی (جانمایی) مطلوب فضاهای آموزشی را بررسی کند. برای دستیابی به هدف تحقیق و پاسخگویی به سؤالات سعی گردیده با استفاده از آمار و اطلاعات مربوط به مراکز آموزشی به تحلیل و توزیع این مراکز در سطح شهر پرداخته شود، سپس محدوده تحت پوشش هر یک از مراکز آموزشی را به وسیله شعاع دسترسی آنها مشخص نموده و مناطقی که دور از دسترس قرار دارند مشخص شوند. لذا با استفاده از قابلیت های سیستم اطلاعات جغرافیایی مراکز آموزشی مطابق با معیارهای کاربری اراضی شهری مورد بررسی قرار گرفته و الگوهای علمی مکانیابی این فضاها تدوین گردیده است، در این تحقیق مطالعات و عملیات زیر انجام گرفته است: داده های مکانی از روی نقشه ها و داده های توصیفی با استفاده از مدارک، اسناد آمار و پژوهش های میدان جمع گردیده و در محیط سامانه اطلاعات جغرافیایی تشکیل پایگاه اطلاعاتی داده و سپس برای هر یک از عوامل تأثیر گذار در مکانیابی مراکز آموزشی لایه هایی تهیه گردید بعد از این مرحله وضع موجود هر یک از این مراکز در سطح محور لاکان در کلانشهر رشت مورد بررسی قرار گرفت. کاربری آموزشی یکی از انواع کاربریهای اساسی در شهرها است که مکانیابی بهینه آن، ایمنی و رفاه شهروندان را در پی خواهد داشت. در پی رشد سریع جمعیت، رشد غیرمنطقی شهرها و مطرح شدن نیازها برای خدمات عمومی و حاکم شدن اقتصاد بازار و پیروی از اصول اقتصاد نئوکلاسیک که در آن رقابت در جستجوی سود بیشتر باعث کاهش سهم کاربریهای عمومی (آموزشی، امدادی، و...) و افزایش سهم کاربریهای مسکونی و سودآور می شود. لزوم دخالت دولت و برنامه ریزی جهت گسترش عدالت اجتماعی و دسترسی یکسان و متعادل خدمات را برای همه افراد ضروری می سازد (ولی زاده، 1386). با توجه به رشد روزافزون جمعیت شهری شهر رشت و افزایش آن در سالهای آتی، سرانه های فعلی نمی تواند پاسخگوی نیازهای جمعیت دانش آموزی باشد، گذشته از این مکان گزینی و پراکنش این فضاها نیز در اغلب موارد بدون در نظر گرفتن معیارها و شاخص های اصولی در مکان گزینی فضاهای آموزشی صورت گرفته است و این امر توزیع نامتعادل کاربریهای مذکور را به بار آورده است. از جمله این فضاها می توان به موارد ذیل اشاره کرد: دبستان حضرت رقیه (ع)، دبستان تحویلدار لاکان، دبستان شهدای سلیمانداراب، دبستان شهید صدیقی، مدرسه محسنی، مجتمع شهدای محراب، دبیرستان خدیجه کبری، دبیرستان شهید نصیری. در این شرایط اصل ساماندهی اقتضا می کند که علاوه بر تأمین سرانه ها در شرایط استاندارد و توزیع متعادل این کاربریها در سطح شهر، به وضعیت سازگاری این کاربری با کاربریهای همجوار و موقعیت دسترسی مناسب آنها نیز توجه ویژه ای مبذول شود تا بتوان با در نظر گرفتن تمامی معیارها راه حل مناسبی را برای مکان گزینی فضاهای آموزشی ارائه کرده و نیاز مبرم جامعه را پاسخگو بود.

روش پژوهش

خدمات آموزشی از مهمترین خدمات و تسهیلات شهری محسوب می شوند که توزیع فضایی آنها به لحاظ تأثیر مستقیم در آسایش خانواده، کاهش هزینه سفرهای درون شهری، تناسب و انسجام فضاها و زیبایی شهر از حساسیت زیادی برخوردار است. استقرار فضاهای آموزشی به لحاظ تأثیراتی که بر کمیّت و کیفیت آموزش و نیز کالبد بافت شهری و یا روستایی دارد و همچنین به جهت بار مالی زیاد، شایسته بررسی گسترده ای می باشد. لذا تعیین معیارهای مناسب برای مکان یابی فضاهای آموزشی ضرورتی مسلم و گریزناپذیر است. در ساماندهی منظم هریک از عناصر شهری (کاربری فضاهای شهری) در جهت دستیابی به الگوهای خاص لازم است ویژگی هر یک از آنها بطور دقیق مورد بررسی قرار گرفته و کمیّت و کیفیت آنها روشن گردد تا روابط متقابل بین آنها از جهت همگن یا ناهمگن بودن مشخص شود (سپهری، 1380). در ارزیابی و انتخاب مکانهای مناسب برای استقرار تمام کاربریهای زمین

شهری چهار ماتریس مطرح است: ماتریس سازگاری، ماتریس ظرفیت، ماتریس مطلوبیت و ماتریس وابستگی (مرکز پژوهش اداره کل آموزش و پرورش رشت، 1393).

ماتریس سازگاری

در این نوع ماتریس دو نوع کاربری مجاور باید هماهنگ بوده و مزاحمتی برای همدیگر بوجود نیاورند و حتی در بعضی مواقع به همدیگر کمک کنند. برای هر فعالیتی با توجه به خصوصیاتش، حوزه نفوذ و اثرگذاری باید تعریف گردد. در صورتی فعالیتها می توانند کنار هم قرار بگیرند که آثار سوء برهم نداشته باشند، خارج از حوزه نفوذ دیگری قرار گیرند، در اینصورت کاربریهای تخصیص یافته سازگار محسوب می شوند (مرکز پژوهش اداره کل آموزش و پرورش رشت، 1393).

ماتریس مطلوبیت

در این نوع ماتریس رابطه بین سایت (زمین و محل) با نوع فعالیت یا به عبارت دیگر رابطه زمین با کاربری مورد نظر مطرح است. یعنی هر زمینی برای کار بری ویژه ای مناسب است و هر کاربری زمین خاصی را می طلبد که در مکان گزینی مراکز خدمات شهری یک اصل مهم محسوب می گردد (مرکز پژوهش اداره کل آموزش و پرورش رشت، 1393).

ماتریس ظرفیت

ظرفیت مکانی به عنوان یک اصل اساسی تعیین کننده محدوده سطوح آموزشی خواهد بود. اندازه و ابعاد این سطوح باید جوابگوی فعالیتهای آموزشی، پرورشی و ورزشی در دو بعد جزئی و کلی باشد. در بعد جزئی ظرفیت واحد آموزشی باید با تعداد جمعیت استفاده کننده از آن واحد آموزشی و در بعد کلی ظرفیت کل واحدهای آموزشی منطقه در مقاطع مختلف تحصیلی با جمعیت دانش آموزان آن منطقه متناسب باشد. در هر ناحیه با توجه به شعاع دسترسی، تراکم جمعیت دانش آموزی لازم التعلیم، سیاست دولت و ... می توان تعداد و ظرفیت مورد نیاز مکانهای آموزشی، پرورشی و ورزشی را تعیین کرد. این نواحی معمولاً به دو قسمت دایره ای و لانه زنبوری تقسیم می شوند (مرکز پژوهش اداره کل آموزش و پرورش رشت، 1393).

ماتریس وابستگی

این نوع کاربریها می توانند بصورت زنجیروار بهم وابسته باشند (درست بر خلاف نوع ناسازگاری که می توانند مخالف هم باشند و در کنار هم قرار گرفتنشان ممکن است به همدیگر زیان برساند) در این ماتریس تأکید بر این است که کاربریها بصورت زنجیروار بهم وابسته باشند (مرکز پژوهش اداره کل آموزش و پرورش رشت، 1393).

روش اجرای پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی تحلیلی می باشد. ابتدا تحقیقات نظری و تجربی بررسی و توصیف می شود. در مرحله بعدی با استفاده از لایه های اطلاعاتی موجود در شهر و امکانات سیستم اطلاعات جغرافیایی GIS در مکان یابی مراکز آموزشی در محدوده تحقیق (بلوار لاکان شهر رشت) مورد تحلیل قرار می گیرد. داده های مورد نیاز تحقیق از طریق مطالعات کتابخانه ای و اسنادی، مجلات علمی پژوهشی، استفاده از یافته های محققان دیگر و همچنین بررسی میدانی (پیمایش)، با استفاده از مصاحبه، مشاهده و ... گردآوری شده است.

- جامعه آماری پژوهش مراکز آموزشی در مقاطع دبستان - راهنمایی - متوسطه (دبیرستان) بلوار لاکان شهر رشت
 - جمعیت شهر رشت طبق سرشماری سال 1390 تعداد 918445 نفر
 - نمونه تحقیق در این پژوهش دانش آموزان مقاطع تحصیلی مذکور می باشند
- فضای آموزشی محدوده بلوار لاکان، مشتمل بر 11 پیش دبستانی دولتی و غیر دولتی، 11 دبستان دولتی و غیرانتفاعی، 3 مدرسه راهنمایی دولتی و غیر انتفاعی، 6 دبیرستان دولتی و غیرانتفاعی، 3 هنرستان دولتی و غیرانتفاعی می باشد.
- تعداد دانش آموزان دختر در مدرس دولتی و غیرانتفاعی 3728 و تعداد دانش آموزان پسر در مدرس دولتی و غیرانتفاعی 2372 می باشد (پور محمدی، 1382).

کاربری آموزشی و نحوه استقرار آن با سایر کاربریها

• کاربری آموزشی و کاربری مسکونی

محیط یک واحد آموزشی می بایست واجد تمامی نیازهای یک فضای مسکونی باشد بدین ترتیب همجواری واحدهای آموزشی با کاربری مسکونی به خصوص در مقاطع ابتدائی و راهنمائی تحصیلی نه تنها سازگار بلکه بسیار ضروری است (مرکز پژوهش اداره کل آموزش و پرورش رشت، 1393).

• کاربری آموزشی و کاربری فرهنگی

کاربری فرهنگی شامل مدارس، مسجد، تکایا، کتابخانه ها، مراکز فرهنگی و هنری و تربیتی، موزه ها، گالریها، نمایشگاهها و... می باشد. که عملکرد آنها مشابهت و هماهنگی نسبتاً زیادی با کاربری آموزشی دارد و چنانچه این دو کاربری می تواند به عنوان دو کاربری سازگار در کنار و در جوار یکدیگر استقرار یابد. بخصوص مقاطع راهنمائی تحصیلی و متوسطه نیاز مند استفاده مستمر از این کاربریها می باشند بطوریکه در صورت عدم همجواری کاربری های فرهنگی باید حداقل فاصله را از کاربریهای آموزشی داشته باشند [3].

• کاربری آموزشی و تجاری

کاربریهای تجاری مشتمل بر واحد هایی تجاری، خرده فروشی، دفاتر خصوصی، خدمات عمومی، بانکها، صنایع و کارگاههای بزرگ و کوچک، هتلها و سالنهای غذا خوری و... می باشد. تمرکز این مراکز در کنار واحدهای آموزشی پیامدهای نا مطلوب تربیتی را در پی خواهد داشت (مرکز پژوهش اداره کل آموزش و پرورش رشت، 1393).

• کاربری آموزشی و کاربری بهداشتی

هر چند که کاربری بهداشتی مانند کاربری آموزشی نیازمند فضای آرام و به دور از هر گونه آلودگی های صوتی و هوایی است و از طرف دیگر دسترسی سریع به واحد های بهداشتی و درمانی برای واحدهای آموزشی ضروری است، لیکن این کاربری به واسطه عملکردی که دارد یکی از منابع شیوع آلودگی های میکروبی، شیمیایی و حتی رادیو اکتیو تیه است. بنابراین این دو کاربری نا سازگار شناخته شده واز همجواری آنها باید احتراز کرد (مرکز پژوهش اداره کل آموزش و پرورش رشت، 1393).

• کاربری آموزشی و فضای سبز

کلیه تحقیقاتی که در زمینه محل استقرار فضاهای آموزشی صورت گرفته بر ارتباط و نزدیکی این فضاها با فضاهای سبز تاکید دارد، هرچند مکان گزینی فضاهای سبز شرایط خاص خود را دارد. لکن با سیستم تقسیم بندی مناطق مسکونی، محله ها یا واحدهای همسایه در ارتباط است مع الوصف همجواری آنها با فضاهای آموزشی می تواند از نظر سالم سازی هوا، جلوگیری از آلودگیها و انتقال آنها به واحد آموزشی، ایجاد چشم انداز و آرامش بصری و فکری که دانش آموزان با تماشای آنها کسب می نمایند در بهبود شرایط فراگیری بسیار مؤثر می باشد (مرکز پژوهش اداره کل آموزش و پرورش رشت، 1393).

• کاربری آموزشی و شبکه ارتباطی حمل و نقل

شبکه حمل و نقل از منابع اصلی آلودگی صوتی و هوایی بشمار می رود. فرودگاهها، خطوط هوایی، ایستگاههای راه آهن و جاده ها همگی از منابع آلوده کننده محیط هستند. بنابراین لازم است در انتخاب مکان برای استقرار واحد آموزشی در جوار شبکه ارتباطی دقت کافی صورت گیرد تا شبکه مناسب هر واحد آموزشی با توجه به مقطع تحصیلی جهت استقرار واحد آموزشی انتخاب گردد (مرکز پژوهش اداره کل آموزش و پرورش رشت، 1393).

• کاربری آموزشی و دیگر تأسیسات شهری

بجز مواردی که ذکر گردید تأسیسات دیگری وجود دارند که بعضی از آنها به واسطه نوع عملکردشان امکان همجواری با کاربری آموزشی را ندارند و نیز تأسیساتی وجود دارند که علیرغم نیاز فضای آموزشی به آنها باید در فاصله ای مناسب از کاربری آموزشی قرار داشته باشند. در گروه اول کاربریهای مثل پمپ بنزین، محل سوخت رسانی، محل جمع آوری زباله ها، کشتارگاهها، گورستانها، دکلهای خطوط فشار قوی لوله های اصلی انتقال نفت و گاز، دامداریها، مرغداریها و... قرار دارند که نباید در همجواری کاربری آموزشی قرار گیرند. در گروه دوم کاربریهایی مانند آتش نشانی، مرکز پلیس و نیروی انتظامی، کاربریهای فرهنگی (سینما و تئاتر) وجود دارند که باید در فاصله های معین از واحد های آموزشی جهت امداد رسانی و استفاده از فضاهای فرهنگی قرار داشته باشند (مرکز پژوهش اداره کل آموزش و پرورش رشت، 1393).

• مکان یابی فضاهای آموزشی و شرایط محیطی

شرایط محیطی بیان کننده ویژگیهای جغرافیایی، اوضاع طبیعی یا اقلیمی (آب و هوایی)، زمین شناسی و توپوگرافی منطقه مورد مطالعه است. انتخاب مکان مناسب برای واحدهای آموزشی بدون در نظر گرفتن شرایط محیطی میسر نخواهد بود.

بررسی وضع موجود

جهت تحلیل، اطلاعات کالبدی در دو محدوده (1 و 2) مورد بررسی قرار گرفته است. بلوار لاکان، به عنوان مرزی طبیعی، بافت کالبدی محدوده را به دو قسمت تفکیک کرده است، به طوری که در محدوده 1 بافت منظم و با رعایت سلسله مراتب شهری، ولی در محدوده 2 بافت نسبتاً نامنظم ارگانیک است. محدوده 1 و 2 به علت مهاجرت فراوان روستائیان به آن، از بافت نامنظم و روستایی برخوردار است. در این مناطق زمین های زراعی، بدون مجوز تفکیک شده و اغلب ساختمان ها بدون پروانه و مجوز شهرداری با مصالح ارزان ساخته شده اند. اغلب ساکنین این مناطق را مهاجرین آذری زبان و کارگران ساختمانی تشکیل داده اند. هر چه به جنوب مناطق و شالیزارها نزدیک می شویم و از خیابان اصلی محدوده 1 و 2 دورتر می شویم بافت شهری نامنظم تر می شود و کیفیت ساخت پایین تر می آید. وجود کاربریهای درشت دانه مثل مرکز پیش دانشگاهی و ورزشگاه و آتش نشانی در قسمت غربی مناطق و همچنین مقبره میرزا کوچک از شاخص های عمده و نشانه های بارز این مناطق است. خیابان های نظری و میرزا کوچک به شکل خیابان های جمع کننده با بدنه تجاری هستند و کوچه ها به طور عمودی ولی نامنظم و غالباً به نسبت به این خیابان ها متصل شده اند، وجود تنها یک پارک کوچک محلی و عدم وجود فضاهای باز از نقاط ضعف این مناطق محسوب می شود و وجود دانشگاه آزاد در امتداد جاده لاکان از نقاط قوت آن محسوب می شود که در شکل شماره 1 مشاهده می شود (مهندسین مشاور، 1386).



شکل 1: موقعیت محدوده مورد مطالعه

مطالعات کالبدی

از 218 خانوار جامعه آماری 154 خانوار معادل 72/3 درصد مالک زمین و واحد مسکونی خود می باشند. مطابق برداشت های میدانی در خصوص نحوه تصرف قطعات 65/52 درصد از مساحت مناطق دارای سند قولنامه ای، 34/42 درصد دارای سند طبق ماده 147 شهرداری، 0/02 درصد قطعات عمومی و 0/04 درصد اوقافی می باشند. در حدود 62/2 درصد از خانه ها حیاط دار، 33/7 درصد خانه های فاقد حیاط و 4/1 درصد تنها دارای یک اتاق نشیمن می باشند. حدود 62/4 درصد خانوارها اظهار داشتند که ساختمان آن ها توسط بنا ساخته شده، 32/5 درصد شخصی ساز و با کمک اقوام و تنها 5/1 درصد خانوارها ساختمان هایشان مهندسی ساز می باشد. 44/4 درصد از خانوارهای منطقه 1 و 2 زیربنای ساختمانشان کامل نبود که در آن ساکن شدند و از این تعداد 49/2 درصد بنای خود را در چهار مرحله و بیشتر و 28/6 درصد در سه مرحله ساخته اند و 46/7 درصد در اولین مرحله ساخت یک اتاق، و دستشویی داشتند که در آن ساکن شده اند (مهندسین مشاور، 1386).

با توجه به مطالعات صورت گرفته، بسیاری از اهالی به دلیل نداشتن سند مالکیت حق استفاده رسمی از حداقل امکانات زیربنایی شهر زندگی مانند آب لوله کشی، برق و ... را ندارند، بنابراین توسط انشعابات غیرقانونی نیازهای خود را برآورده می نمایند. در

خصوصاً میزان برخورداری از خدمات زیربنایی به شیوه برداشت پلاک به پلاک آمارها بدین شرح می باشند، میزان برخورداری از آب لوله کشی شهری 79/17 درصد، برق 86/82 درصد، گاز لوله کشی 83/73 درصد و تلفن 83/61 درصد. در بررسی پیمایشی در سطح مناطق در خصوص میزان بهره مندی از تسهیلات فرعی نتایج به دست آمده حاکی از آن است که تنها درصد برخورداری از یخچال و اجاق گاز و تلویزیون رنگی بالای 90 درصد می باشد و مابقی امکانات مانند رایانه، لباسشویی، فریزر و در سطح پائین تری است. حدود 87/3 درصد خانوارها از سیستم فاضلاب آگو استفاده می کنند که البته سیستم این فاضلاب ها بسیار ضعیف است در اکثر مواقع بارندگی گرفتگی شدید پیدا می کنند (مهندسین مشاور، 1386).

جدول شماره 1 و 2 شاخصهای امتیاز دهی و اولویت بندی معیارهای مکانی را مشخص می نمایند. در شکل های شماره 2 و 3 نحوه پراکنش فضایی کاربری آموزشی محدوده مورد مطالعه را همراه با کاربری اراضی پیرامون مشخص گردیده است.

جدول 1: شاخص امتیاز دهی معیارهای مکانی آموزشی (حکمت نیا، 1382)

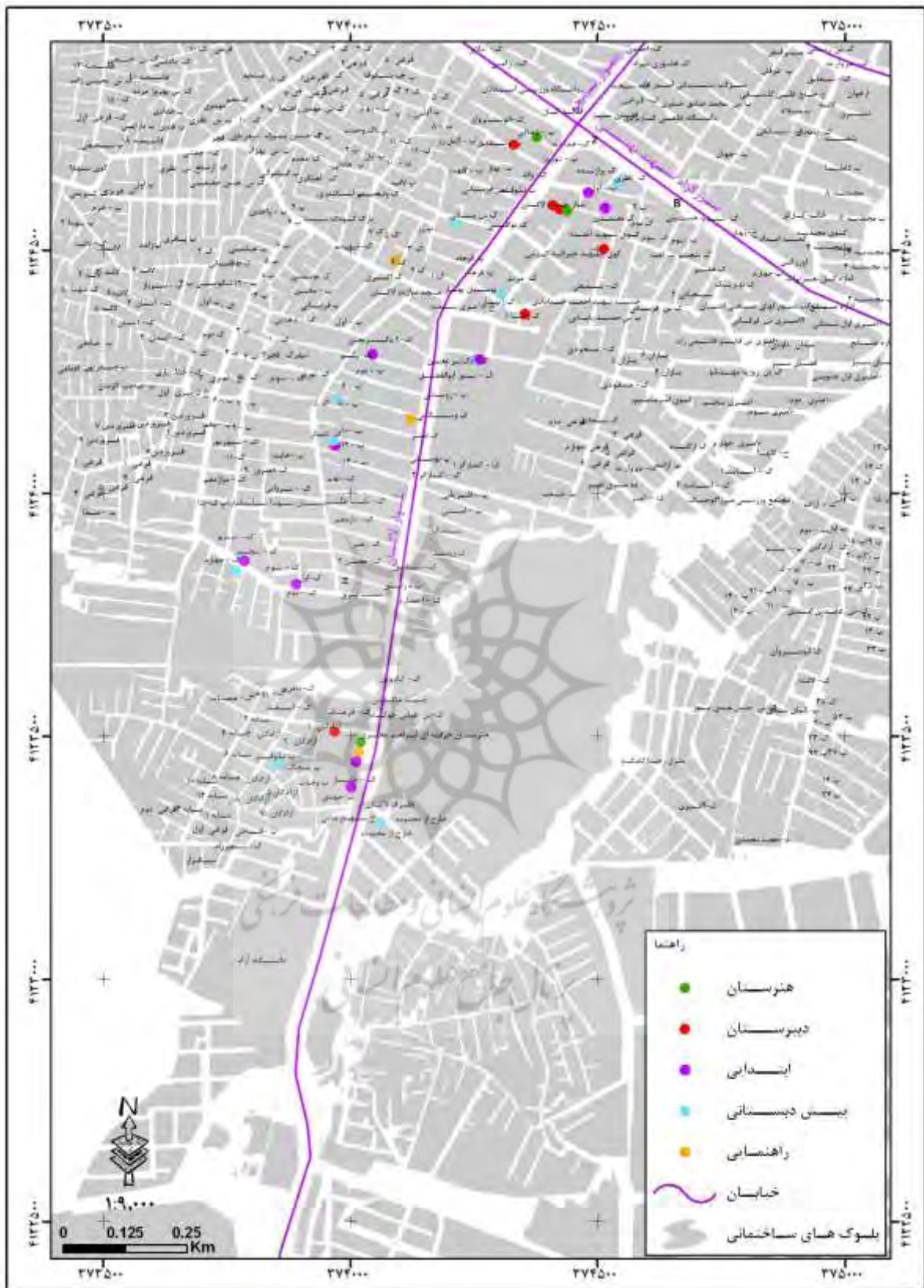
امتیاز	2	1	0	-1	-2	معیار
سازگاری	کاملاً سازگار	نسبتاً سازگار	بی تفاوت	نسبتاً ناسازگار	کاملاً ناسازگار	سازگاری
مطلوبیت	کاملاً مطلوب	نسبتاً مطلوب	بی تفاوت	نسبتاً نامطلوب	کاملاً نامطلوب	مطلوبیت
کارایی	کاملاً کارا	نسبتاً کارا	بی تفاوت	نسبتاً ناکارا	کاملاً ناکارا	کارایی
ظرفیت	کاملاً دارای ظرفیت	نسبتاً دارای ظرفیت	بی تفاوت	نسبتاً فاقد ظرفیت	کاملاً فاقد ظرفیت	ظرفیت
آسایش	کاملاً دارای آسایش	نسبتاً دارای آسایش	بی تفاوت	نسبتاً فاقد آسایش	کاملاً فاقد آسایش	آسایش
وابستگی	کاملاً وابسته	نسبتاً وابسته	بی تفاوت	نسبتاً فاقد وابستگی	کاملاً فاقد وابستگی	وابستگی

جدول 2: جمع بندی معیارهای مکانی

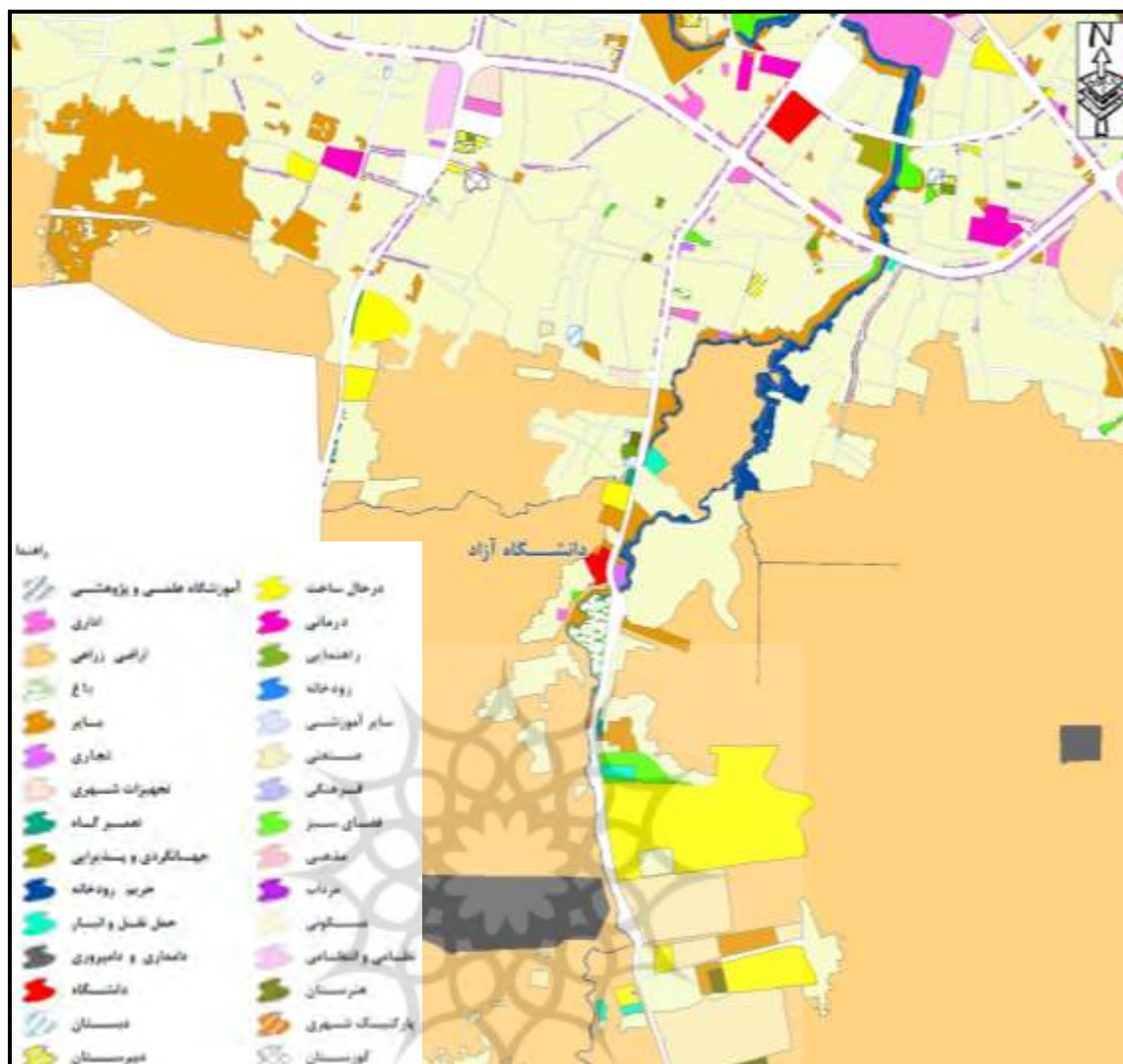
شرح	سازگاری	مطلوبیت	کارایی	ظرفیت	آسایش	وابستگی
فضاهای آموزشی	1	1	1	-1	1	1

ماخذ: محاسبات نگارنده ۱۳۹۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل 2: محل استقرار کلیه مقاطع تحصیلی در محدوده مورد مطالعه



شکل 3: کاربری اراضی محدوده مورد مطالعه

جمع بندی

فضای آموزشی محدوده بلوار لاکان، مشتمل بر 11 پیش دبستانی دولتی و غیر دولتی، 11 دبستان دولتی و غیرانتفاعی، 3 مدرسه راهنمایی دولتی و غیر انتفاعی، 6 دبیرستان دولتی و غیرانتفاعی، 3 هنرستان دولتی و غیرانتفاعی می باشد. مراکز آموزشی غیرانتفاعی با توجه به تعداد کم دانش آموزان، مشکلی در تامین آسایش ساکنین محله ایجاد نمی کنند؛ اما مدارس دولتی با تعداد زیاد دانش آموزان به خصوص در محدوده مدارس دبستان خیراله کرمی، شهید صدیقی 1 و 2، هنرستان شهید جعفری و دبیرستان شهید نصیری (جنب هنرستان داخل کوچه)، دانش آموزان در هر یک از شیفت های صبح و عصر و با توجه به اینکه مدارس در کنار هم قرار دارند، باعث ایجاد مشکلات فراوانی از جمله ایجاد سر و صدا در تمام ساعات روز و ایجاد ترافیک شدید در کوچه و خیابان گاهی قفل شدن ترافیک در زمان تعطیلی مدرسه می گردد. مدارس در هر شیفت حدود 6 سرویس مینی بوس و مقدار قابل توجهی سرویس سواری و شخصی دانش آموزی دارد که با احتساب 2 شیفت، این سرویس ها 3 بار در روز در ساعات 7/30 صبح، 12/30 ظهر و 17/30 عصر در داخل کوچه و خیابان مبادرت به پیاده و سوار کردن دانش آموزان می کنند. بحرانی ترین حالت، مربوط به ساعت 12/30 ظهر است که 6 سرویس، دانش آموزان شیفت صبح را از مدرسه تحویل گرفته و 6 سرویس، دانش آموزان شیفت عصر را به مدرسه تحویل می دهند. در این ساعات عملاً عبور و مرور در کوچه و خیابان بلوار لاکان، مختل می

گردد. استقرار فضاهای آموزشی به لحاظ تاثیراتی که بر کمیّت و کیفیت آموزش و نیز کالبد بافت شهری و یا روستایی دارد و همچنین به جهت بار مالی زیاد، شایسته بررسی گسترده ای می باشد. لذا تعیین معیارهای مناسب برای مکان یابی فضاهای آموزشی ضرورتی مسلم و گریزناپذیر است. در ساماندهی منظم هریک از عناصر شهری (کاربری فضاهای شهری) در جهت دستیابی به الگوهای خاص لازم است ویژگی هر یک از آنها بطور دقیق مورد بررسی قرار گرفته و کمیّت و کیفیت آنها روشن گردد تا روابط متقابل بین آنها از جهت همگن یا نا همگن بودن مشخص شود. بنابراین لزوم بررسی فضاهای آموزشی، مجاورتها و استانداردهای حاکم بر مکان گزینی مطرح می گردد تا بتوان با در نظر گرفتن نیازهای واقعی جامعه و امکانات اقتصادی، راه حل های مناسبی را برای مکان گزینی صحیح فضاهای آموزشی و پرورشی پیدا کرده و نیاز مبرم جامعه را پاسخگو بود. در غیر این صورت در آینده با مشکل کمبود مراکز آموزشی در سطح شهر روبرو خواهیم بود. مراکز خدمات آموزشی از لحاظ نحوه پراکندگی در سطح شهر با دیگر خدمات شهری مثل پارک ها یا مدارس و غیره کمی فرق دارند، در واقع مراکز خدمات آموزشی نظم و قاعده کمتری را رعایت کرده و از استانداردها و ضوابط مشخص، کمتر تبعیت می کنند. یکی از اهداف برنامه ریزی کاربری اراضی شهری، تأمین مناسب خدمات عمومی از جمله دسترسی به خدمات آموزشی است. مطالعه ی فضاهای اختصاص یافته به خدمات آموزشی در کشورهای مختلف، تفاوت های عمده ای را نشان می دهد؛ به طوری که در شهر کلکته، سرانه آموزشی برابر 0/8 متر مربع و فرانسه، برابر با 10 متر مربع می باشد، البته در این نوشته در پی بررسی سرانه کاربری آموزشی سایر کشورها نمی باشیم، که اگر هم در این زمینه کمی درنگ گردد، سرانه ای تعریف نشده است که بخواهیم با آن به اندازه گیری و تخمین سرانه، با این حجم دانش آموز در مدارس بپردازیم. بیان ویژگی ها جغرافیایی اوضاع طبیعی نظیر شرایط آب و هوایی زمین شناسی و توپوگرافی منطقه مورد مطالعه، انتخاب مکان مناسب برای واحدهای آموزشی و ظرفیت مکان به عنوان یک عامل اساسی تعیین کننده در سطوح خدمات آموزشی خواهد بود، اندازه و ابعاد این ستون باید جوابگوی فعالیت آموزشی در دو بعد جزئی و کلی باشد در بعد جزئی ظرفیت واحد زمانی باید از جمعیت استفاده کنند در آن واحد آموزشی و در بعد کلی ظرفیت کل واحدهای آموزشی منطقه با جمعیت آن منطقه متناسب باشد. به طور کلی بر اساس مطالعات انجام گرفته، استقرار هر عنصر شهری در موقعیت فضایی - کالبدی خاصی از سطح شهر، تابع اصول، قواعد و ساز و کار (مکانیسم های) خاصی است که در صورت رعایت، به موفقیت و کارایی عملکردی آن عنصر در همان مکان مشخص خواهد انجامید و در غیر این صورت چه بسا مشکلاتی بروز کند. استقرار بسیاری از عناصر شهری بیشتر تابع ساز و کارهای اقتصادی و تابع رقابت آزاد است، اما برای خدمات عمومی که مدارس نیز جزء این نوع از خدمات شهری می باشند، نمی توان موضوع را به ساز و کارهای بازار واگذار کرده و به این امر بسنده کرد بلکه برای جبران ناکارآمدی های بازار به تصمیم ها و سیاست های مبتنی بر منافع عموم نیز تمسک جست. با این وجود در مکان گزینی مدارس باید از مساله سود و هزینه به نفع کارایی آن ها چشم پوشی کنیم و در نظر داشته باشیم افزایش کارایی مراکز به منظور کاهش هزینه های ناشی از اتلاف وقت و پائین آمدن کیفیت آموزش انسانی از اهمیت ویژه ای برخوردار است و در این مورد توجیه اقتصادی طرح، جایی ندارد. مکان گزینی و توزیع فضایی مدارس جزو دسته مدل های مکان یابی مراکز قرار می گیرند که در این نوع مدلها خصوصیت اصلی مراکز یعنی دسترسی آسان و فوری کاربران به مراکز خدماتی مد نظر قرار گرفت.

پیشنهادهات

- ✓ بهره گیری از سرویس ایاب و ذهاب داخل مدارس جهت پیاده و سوار شدن دانش آموزان
- ✓ حضور و همکاری پلیس راهنمایی و رانندگی حین ورود و خروج دانش آموزان
- ✓ ساخت پل هوایی جهت ورود و خروج مطلوب دانش آموزان و آموزشهای لازم به آنان

- ✓ ترمیم خط کشی عابر پیاده جهت سهولت دید رانندگان و عدم تعارض به حقوق دانش آموزان، شکل شماره 4
- ✓ قرار دادن درب دوم داخل کوچه جهت سهولت رفت و آمد دانش آموزان بدور از محور راه اصلی
- ✓ نظارت دقیق آموزش و پرورش جهت تاسیس مراکز آموزشی جدید با توجه به پتانسیل محله
- ✓ تجمیع واحدهای آموزشی در مقاطع مختلف در یک مجتمع آموزشی با امکانات مطلوب تر
- ✓ بهره گیری از مشارکت مردمی در تجهیز مدارس
- ✓ تدوین قانونی مدون جهت اخذ پروانه تاسیس و امکان سنجی ایجاد موسسات آموزشی
- ✓ جلوگیری از تاسیس فضاهای آموزشی در تداخل با کاربرهای مزاحم و بالعکس



شکل 4: فقدان ایمنی مطلوب جهت ورود و خروج دانش آموزان به فضای آموزشی

منابع

1. ولی زاده، ع. (1386). رابطه کیفیت آموزشی با مکان آموزش، تهران، نشر ایران.
2. سپهری، م. (1380). آموزش و نهادهای آموزشی، انتشارات مرکز تحقیقات آموزش و پرورش.
3. آموزش و پرورش ناحیه 1 و 2 رشت. (1393). مرکز پژوهش اداره کل آموزش و پرورش.
4. پورمحمدی، م. (1382). برنامه ریزی کاربری اراضی شهری. تهران: سمت.
5. مهندسین مشاور طرح و کاوش، (1386). سومین طرح جامع شهر رشت.
6. حکمت نیا، ح. (1382). کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه ای. یزد، علم نوین.